

بررسی رابطه بین سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه با شیوه‌های تدریس آنان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

محمد فریدونی^۱، مرضیه دهقانی^۲، مصطفی شیخ‌زاده^۳

تاریخ دریافت 1392/07/10 تاریخ پذیرش 1392/10/01

چکیده:

پیش زمینه و هدف: دانشگاه‌ها جزو مهم‌ترین مؤسسات جامعه انسانی محسوب می‌شوند؛ در عصر حاضر، از مهم‌ترین توقعات جامعه از دانشگاه بالا بردن سطح هوش اخلاقی در کنار ارتقای سطح علمی جامعه است. از این رو پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطه بین سطح هوش اخلاقی با سبک تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه انجام شده است. **مواد و روش‌ها:** این پژوهش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بوده و نیز از لحاظ ماهیت تحقیق کاربردی است. جامعه آماری پژوهش اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه به تعداد ۴۱۲ نفر بودند که ۱۵۶ نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق دو پرسشنامه هوش اخلاقی لنینیک و کیل (۲۰۱۱) و نیز پرسشنامه سبک تدریس گراشا (۱۹۹۶) بودند که پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با نرم افزار SPSS 16 محاسبه و به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۵۵ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون، و رگرسیون انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان دادند که بین سطح هوش اخلاقی اساتید با نوع سبک تدریس آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین ابعاد هوش اخلاقی شامل «درستکاری»، «مسئولیت پذیری»، «دلسوزی» و «بخشش» با نوع سبک تدریس آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ می‌توان سبک تدریس اساتید را از روی سطح هوش اخلاقی آنان پیش بینی نمود.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان با کمک اساتید، از طریق کلاس‌های درس و اتخاذ سبک تدریس مناسب، سطح هوش اخلاقی دانشجویان را بالا برد.

کلیدواژه‌ها: اعضای هیئت علمی، دانشگاه ارومیه، هوش اخلاقی، سبک تدریس

مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره یازدهم، شماره یازدهم، پی در پی 52، بهمن 1392، ص 854-862

آدرس مکاتبه: ارومیه، جاده نازلو، پردیس دانشگاه ارومیه، آموزش کل تلفن: ۰۹۱۴۴۴۵۶۹۷۴

Email: mohammadfereiduni@rocketmail.com

مقدمه

در عصری زندگی می‌کنیم که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تمام ابعاد آن سایه افکنده است؛ در این برهه، مؤلفه‌های مختلف تعلیم و تربیت، معنایی جهانی پیدا کرده و به موازات آن روش‌های تدریس نوینی نیز مطرح شده که به تبع آن مطالعه اثربخشی شیوه‌های نوین تدریس در آموزش عالی مورد توجه، متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است (۱). دانشگاه از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های انسانی در هر جامعه است. در حقیقت دانشجویان مراحل جامعه‌پذیری و ورود به جامعه را از طریق تجربیات خود در نظام‌های رسمی و غیررسمی آموزشی و اجتماعی دانشگاه کسب می‌کنند (۲). بدین معنا که هرچند مهم‌ترین وظیفه‌ی آموزش عالی، آموزش دانش و مهارت در سطح پیشرفته و حرفه‌ای است اما علاوه بر وظیفه‌ی انتقال دانش و

مهارت، وظایف دیگری که دارای ارزش اجتماعی هستند نیز جزء وظایف دانشگاه ذکر شده است. انتقال و ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، شکوفا کردن توانایی‌های فردی و اجتماعی و کمک به رشد شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری را می‌توان از جمله سایر وظایف مهم دانشگاه‌ها دانست (۳). از آنجائی که هر یک از اساتید دارای ارزش‌های اخلاقی متفاوتی بوده و هر یک از آن‌ها در تدریس خود از یک سبک تدریس متفاوت و خاصی نیز پیروی می‌کنند (۴)، با توجه به اینکه جامعه ما، جامعه‌ای ارزشی است و تربیت نیروی انسانی اخلاق مدار نیز از اهم اهداف برنامه‌ریزی آموزش عالی می‌باشد از این رو فرآیند انتقال اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در کنار آموزش علم و دانش به دانشجویان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

¹ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه علوم تربیتی، ارومیه، ایران

² استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

³ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه علوم تربیتی، ارومیه، ایران

هوش عموماً به معنای توانایی یادگیری و تفکر مرتبط بوده و در توصیف به‌کارگیری مهارت‌ها و وقایع به‌کاررفته است (۵). طبق اظهار مایر (۲۰۰۰) هوش به توانایی استدلال انتزاعی و محاسبات ذهنی گفته می‌شود که طبق قواعد خاصی انجام می‌گیرد.

اخلاق نیز بخش تفکیک‌ناپذیر زندگی انسان و زیرمجموعه‌ای از فلسفه عملی است که در جستجوی مجموعه‌ای از رفتارهای درست و نادرست و تبیین خوبی و بدی در آن‌ها در شرایطی معین می‌باشد. به بیانی دیگر اخلاق شامل اصول و ارزش‌هایی است که بر رفتارهای فردی و جمعی تحت عنوان درست یا غلط حاکمیت دارد (۶). و مجموعه‌ای از اصول است که اغلب به عنوان منشوری برای راهنمایی و هدایت به کار می‌رود (۷). در واقع مفاهیم اخلاقی بیانگر شکلی از زندگی بشر است و اعتقادات و ارزش‌های هدایت‌گر افراد در تصمیماتشان را توصیف می‌نمایند و اخلاقمندی به عنوان سرمایه‌ای راهبردی برای مجموعه‌های انسانی مطرح است و پیش‌شرط زندگی اجتماعی کارآمد را تشکیل می‌دهد (۲). بی‌شک ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی از عناصر محوری، تعیین‌کننده و جایگزین‌ناپذیر زندگی اجتماعی است. مسلماً شکل‌گیری هنجاری و نهادینه‌شدگی ارزش‌های اخلاقی، در ساختار درونی افراد و تعاملات فی‌مابین آن‌ها و نیز در متن بافت‌ها و بسترهای اجتماعی نهفته است؛ که نظام شخصیتی افراد را شکل داده و در قالب‌های فرهنگی - اجتماعی، رفتارها و کنش‌های آن‌ها را در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی همسو با منافع و مصالح جمعی هدایت می‌کنند. بی‌شک هوش و اخلاق هر کدام به تنهایی جنبه‌های متفاوتی از زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و موقعیت آنان را در جامعه تثبیت و تعیین می‌نمایند که با بررسی متون پژوهشی در مورد هر یک از این مفاهیم به صورت جداگانه اهمیت آن‌ها کاملاً روشن می‌گردد.

هوش اخلاقی مفهوم نوینی است که در چند سال اخیر در متون پژوهشی روانشناسی و مدیریت رواج یافته است؛ و به معنای توجه به زندگی انسانی و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی و ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است (۸).

هوش اخلاقی دارای ابعاد متفاوتی است لنیک^۱ و کیل^۲ (۲۰۱۱) معتقدند که هوش اخلاقی در برگرفته‌ی چهار بعد اصلی شامل درستکاری^۳، مسئولیت‌پذیری^۴، بخشش^۵ و دلسوزی^۶ و دارای ده بعد زیرمجموعه شایستگی (شامل انسجام^۷، صداقت^۸، شجاعت^۹،

رازداری^{۱۰}، انجام تعهدات فردی/مسئولیت‌پذیری (پاسخگویی) در برابر تصمیمات شخصی^{۱۱}، خودکنترلی و خودمحدودسازی^{۱۲}، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران)^{۱۳}، مراقبت از دیگران (مهربانی)^{۱۴}، درک احساسات دیگران (بشردوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع) می‌باشد. آن‌ها بر اساس این مدل خود، پرسشنامه‌ای نیز برای تعیین سطح هوش اخلاقی و ابعاد زیرمجموعه‌ی آن در افراد تدوین کردند (۹).

بوربا (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. از نظر وی هوش اخلاقی دارای چهار مؤلفه یا بعد است که لازم است افراد برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی برخوردار باشند:

الف) درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن معتقدیم و آنچه که به آن عمل می‌کنیم. انجام آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها.

ب) مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن اعمال، هم چنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد.

ج) دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. یعنی اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز موقع نیاز با ما همدردی خواهند کرد.

د) بخشش: آگاهی از عیوب و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران (۱۰).

بنابراین انتظار می‌رود افراد باهوش اخلاقی بالا کارها را درست انجام داده، اعمال آن‌ها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ بوده، عملکرد بالایی داشته و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند دهند. به همین علت است که یافته‌های پژوهشی هوش اخلاقی را به عنوان عامل اجتماعی سازی تعریف کرده‌اند (۱۱). با توجه به اینکه انتظار می‌رود انسان‌های فرهیخته جامعه از دانشگاه برخاسته و در بطن دانشگاه پرورش یابد لذا همان‌گونه که یافته‌های پژوهشگران نیز نشان می‌دهد تصور بر این است که اساتید بتوانند تأثیر شدیدی بر توسعه‌ی ذهنی و اخلاقی دانشجویان داشته باشند

⁸ Telling the truth (honesty)

⁹ Standing up for what is right (courage)

¹⁰ Keeping promises (trustworthy)

¹¹ Taking responsibility for choices (responsibility)

¹² Self-control and self-restraint (discipline and discretion)

¹³ Helping others (service)

¹⁴ Actively caring about others (kindness and friendliness)

¹ Lennick

² Kiel

³ Integrity

⁴ Responsibility

⁵ Forgiveness

⁶ Compassion

⁷ Acting consistently (integrity)

از نظریه‌های رایج در تدریس می‌توان به سبک تدریس گراشا اشاره نمود؛ گراشا معتقد است ۵ سبک تدریس (خبره، متخصص یا کارشناس^۲، آمرانه^۳، مدل فردی^۴، تسهیل کننده^۵، و کالتی یا محول کننده^۶) در اساتید آموزش عالی مشاهده می‌شود.

با توجه به موضوع تحقیق سؤال‌های زیر برای این پژوهش تدوین شده است:

سؤال شماره ۱: آیا بین سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه و هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه آن با شیوه‌های تدریس یا سبک تدریس آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؟

سؤال شماره ۲: آیا می‌توان سبک تدریس اساتید دانشگاه ارومیه بر اساس سطح هوش اخلاقی آنان پیش‌بینی نمود؟

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به منظور مطالعه بررسی رابطه بین سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه با سبک‌های تدریس آنان در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ با طرح تحقیق از نوع توصیفی و روش تحقیق از نوع همبستگی انجام شد. جامعه تحقیق تعداد آن‌ها ۴۱۲ نفر اعضای هیئت علمی رسمی و پیمانی دانشگاه ارومیه هستند که به تفکیک شامل ۲۵ نفر با رتبه استاد، ۷۵ نفر با رتبه دانشیار، ۲۵۳ نفر با رتبه استادیار و ۵۷ نفر با رتبه مربی هستند که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۱۵۶ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه سبک تدریس گراشا (۱۹۹۶) و استاندارد شده هوش اخلاقی لینیک و کیل (۲۰۱۱) بودند. که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای طراحی شدند. پرسشنامه‌های یاد شده پس از ترجمه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و روایی آن‌ها توسط اساتید راهنما و مشاور و کارشناسان قرار گرفت.

پرسشنامه سبک تدریس گراشا (۱۹۹۶) شامل ۴۰ سؤال است (۱۸) این پرسشنامه در ایران توسط محققان ایرانی من جمله اسکندری و صالحی (۲۰۱۱) مورد تأیید قرار گرفت و در این تحقیق نیز آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳۷ به دست آمد.

برای سنجش سطح هوش اخلاقی از پرسشنامه هوش اخلاقی لینیک و کیل (۲۰۱۱) استفاده شد (۹) این پرسشنامه در اصل در سال ۲۰۰۵ ارائه شده است که از ۴۰ سؤال در طیف پنج درجه‌ای لیکرت (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و تمام اوقات) تشکیل

بنابراین، اساتید و سایر افرادی که در محیط‌های آموزشی فعالیت می‌کنند علاوه بر شایستگی‌های فنی، باید دارای ویژگی‌های ذهنی و عاطفی مناسب و برخوردار از ارزش‌های اخلاقی مطلوب نیز باشند. علاوه بر این، مطالعات بسیاری نشان داده است که تعاملات دانشجویان در محیط آموزشی و به خصوص تعامل آن‌ها با اساتید می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر یادگیری، توسعه‌ی اخلاقی و دستاوردهای آموزشی و اجتماعی آن‌ها داشته باشد (۱۲).

از سویی محور تلاقی بین اساتید و دانشجویان، یا به عبارت دیگر فرآیند پرورش دانشجویان در کلاس درس و در تعامل مستقیم با اساتید صورت می‌گیرد، تأثیرپذیری دانشجویان از اساتید نیز از طریق فرآیند تدریس آن‌هاست که شکل می‌گیرد (۱۳). لومن در سال ۱۹۹۱، بر پایه مطالعات به عمل آمده، تدریس را دارای دو بعد یا محور اصلی می‌داند. یکی از این دو محور وجه فکری و عقلانی تدریس است و دیگری به وجه روابط بین فردی مربوط می‌شود که عمدتاً جنبه عاطفی دارد.

تدریس عبارت از تعامل یا رفتار متقابل استاد و دانشجو بر اساس طراحی منظم و هدف‌دار برای ایجاد تغییر در رفتار دانشجو است. این تعریف دو ویژگی خاص برای تدریس را مشخص می‌کند: وجود تعامل یا رابطه متقابل بین استاد و دانشجو؛ و هدف دار بودن فعالیت‌های استاد (۱۴). در واقع هسته‌ی اصلی فرآیند تدریس، ایجاد محیط‌هایی است که در آن شاگردان بتوانند تعامل داشته باشند و نحوه یادگیری را بررسی نمایند (۱۵).

بر این اساس می‌توان گفت که تدریس به عنوان یک فرایند علمی می‌تواند بنیانی برای درک درعین حال عمل تدریس فراهم آورد و معلم و شاگرد همچون دانشمندانی هستند که از روش علمی برای شناخت و اکتشاف بهره می‌گیرند و در این راه از خلاقیت و شهود و بصیرت سود می‌جویند و به شفاف‌سازی از ابداع دست می‌یابند (۱۴).

آرولا^۱ (۲۰۰۷) تدریس را تعاملی میان استاد و دانشجو که از طریق آن دانشجو فرصت یادگیری می‌یابد (۱۶). شعبانی (۱۳۸۵) چهار ویژگی را در تعریف تدریس بر می‌شمرد که عبارتند از:

الف) وجود تعامل میان معلم و دانش‌آموزان.

ب) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین‌شده؛

ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات، و

د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری (۱۷).

² Expert

³ Formal Authority

⁴ Personal model

⁵ Facilitator

⁶ Delegator

¹ Areola

شده است. که به آن‌ها به ترتیب نمره‌ی ۱-۲-۳-۴-۵ داده شده است

این پرسشنامه هوش اخلاقی را در چهار مؤلفه‌ی درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشش مورد سنجش قرار می‌دهد در ایران نیز روایی و پایایی آن در جامعه ایرانی من جمله محمودی، سیادت و شادروان (۱۳۹۱) مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد محاسبه قرار گرفته و ۰/۸۵۵ به دست آمد.

پرسشنامه‌های مذکور پس از احراز روایی و پایایی به روش گروهی اجرا شد و نتایج مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول شماره (۱) میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای هوش اخلاقی و هر یک از مؤلفه‌های آن با سبک تدریس را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای تحقیق

سبک تدریس	گویه‌ها
۰/۴۴۵	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۰/۳۸۷	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۰/۲۹۰	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۰/۳۳۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۰/۳۶۷	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۱۵۶	تعداد

همان‌طور که مشاهده می‌شود، همبستگی مشاهده شده بین متغیر هوش اخلاقی با سبک تدریس معنی‌دار است ($r = 0/445$; $P = 0/000$). و نیز همبستگی مشاهده شده بین هر یک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی با سبک تدریس نیز معنی‌دار است. بالاترین همبستگی، مربوط به رابطه بین مؤلفه‌ی «درستکاری» هوش اخلاقی و سبک تدریس ($r = 0/387$; $P = 0/000$) و پایین‌ترین همبستگی مربوط به رابطه بین مؤلفه‌ی «مسئولیت‌پذیری» هوش اخلاقی و سبک تدریس ($r = 0/290$; $P = 0/000$) است.

سؤال شماره (۲): آیا می‌توان سبک تدریس اساتید دانشگاه ارومیه بر اساس هر یک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی پیش‌بینی نمود؟ برای این کار لازم است ابتدا فرضیات زیربنایی مورد بررسی قرار گیرند.

برای به دست آوردن معادله رگرسیون و پیش‌بینی متغیر وابسته (در اینجا سبک تدریس) از روی متغیر مستقل (هوش اخلاقی) از رگرسیون استفاده شده است. برون‌داد رگرسیون شامل سه جدول است که در جداول شماره‌های ۲، ۳ و ۴ آورده شده است.

جدول شماره (۲): جدول خلاصه مدل رگرسیون خطی چندگانه یا (Model Summary)

مدل	R	مربع R	مجدور R اصلاح‌شده	تغییر مجذور R	Sig. F Change
۱	۰/۴۴۵a	۰/۲۰۷	۰/۱۸۶	۰/۲۰۷	۰/۰۰۰

a: پیش‌بینی‌کننده (ها): (ثابت) هوش اخلاقی

b: متغیر وابسته: سبک تدریس

پژوهش بهبود برازش در مدل معنی دار بوده و سطح معنی داری برابر (۰/۰۰۰) است.

جدول تحلیل واریانس:

در ستاده سوم حاوی تحلیل واریانس رگرسیون برای بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین دو متغیر است. فرضیه های آماری آزمون معنی داری کل مدل رگرسیون به صورت زیر است:

در اولین گام، متغیر هوش اخلاقی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر ۰/۴۴۵ و ضریب تبیین (R^2) برابر ۰/۲۰۷ بدست آمد. یعنی؛ ۲۰/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (سبک تدریس اساتید) را این متغیر تبیین می کند. ستون (Sig. F) (Change) بهبودی برازش در مدل را نشان می دهد و در این

H_0 : رابطه خطی بین دو متغیر وجود ندارد
 H_1 : رابطه خطی بین دو متغیر وجود دارد

جدول شماره (۳): جدول تحلیل واریانس رگرسیون برای بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرها

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۷/۱۱۵	۴	۱/۷۷۹	۹/۸۷۳	۰/۰۰۰ ^a
باقیمانده	۲۷/۲۰۳	۱۵۱	۰/۱۸۰		
کل	۳۴/۳۱۷	۱۵۵			

در جدول شماره (۳) آماره F برابر ۹/۸۷۳ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) که کمتر از ۰/۰۵ است، از این رو فرض خطی بودن رابطه بین دو متغیر پذیرفته می شود.

جدول شماره (۴): جدول ضرایب رگرسیون a

مدل	B	خطای استاندارد B	بتا	t	معنی داری t
ثابت	۰/۸۶۴	۰/۲۹۰		۲/۹۷۷	۰/۰۰۳
	۰/۱۶۹	۰/۰۹۵	۰/۱۸۰	۱/۷۸۰	۰/۰۷۷
	۰/۱۱۲	۰/۰۸۰	۰/۱۲۱	۱/۳۹۹	۰/۱۶۴
	۰/۰۶۷	۰/۱۰۷	۰/۰۶۲	۰/۶۳۰	۰/۵۳۰
	۰/۱۹۱	۰/۰۷۳	۰/۲۲۴	۲/۶۳۷	۰/۰۰۹

a: متغیر ملاک: سبک تدریس

تغییر ایجاد می شود ($R=0/445$) که این مسئله با فرض ثابت بودن متغیرهای دیگر است.

در ستاده سوم ضرایب رگرسیون برای به دست آوردن معادله ارائه شده است، در ستون B به ترتیب مقدار ثابت و ضریب متغیر مستقل در معادله رگرسیون ارائه شده است. بنابراین در این مورد معادله رگرسیون به صورت $y = b + ax$ می باشد یعنی معادله این رگرسیون به صورت زیر است:

$$y = 0/837 + 0/543x$$

جدول ضرایب شامل دو دسته ضرایب استاندارد نشده (B) و ضرایب استاندارد شده (Beta) می باشد. در ضرایب استاندارد نشده مقیاس متغیرها با همدیگر یکسان نیستند در صورتی که در ضرایب استاندارد شده مقیاس متغیرها یکسان شده و امکان مقایسه متغیرها وجود دارد. بنابراین برای مقایسه اثرات چندین متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته از ضرایب استاندارد شده سود جسته می شود. در این آزمون یا تحقیق به ازای یک واحد تغییر در متغیر هوش اخلاقی اساتید، میزان ۰/۴۴۵ در متغیر سبک تدریس اساتید

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، همبستگی بین هوش اخلاقی و سبک تدریس اساتید مورد آزمون قرار گرفته است؛ بر اساس پیش فرض تحقیق، که از بررسی متون و یافته های پژوهش های گذشته استنباط می شد، بین این دو متغیر همبستگی وجود داشت، در واقع سبک های تدریس، سبک های یادگیری هستند. اساتید ضمن یاری رساندن به دانشجویان در کسب اطلاعات، مهارت و ارزش ها، طرز فکر و راه های معرفی خود را نیز می آموزند (۲۵). نتایج پژوهش نیز نشان داد که بین هوش اخلاقی و سبک های تدریس اساتید رابطه ی معنی داری وجود دارد. از آنجائی که تحقیقی که در آن موضوعات مورد بحث در این پژوهش مد نظر است یافت نشد لذا نمی توان یافته های این تحقیق را با یافته های تحقیقات مشابه

مقایسه نمود ولی از حیث یکایک موضوعات نتایج قابل‌مقایسه در ادامه آورده شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی، از نظر چهار مؤلفه‌ی کلی هوش اخلاقی دارای وضعیت خیلی خوب هستند. درستکاری عبارت است از ایجاد تناسب و هارمونی در بین آن چه فرد به آن اعتقاد دارد و آنچه به آن عمل می‌کند. لذا، می‌توان گفت درستکاری شامل ابراز حقیقت (صداقت)، اقدام مبتنی بر حقیقت (انسجام گفتار و کردار)، پافشاری و ایستادگی بر حقیقت (شجاعت) و وفای به عهد است. وضعیت موجود درستکاری نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی به آنچه معتقدند عمل کرده و گفتار و کردار آن‌ها صحیح است. از این حیث یافته‌های این پژوهش با یافته‌های (۲، ۲۳) همسو است.

مسئولیت‌پذیری شامل شایستگی انجام تعهدات (مسئولیت‌های) فردی، پذیرش اشتباهات و خطاهای خود (خود کنترلی و خود محدودسازی) و قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران (کمک به دیگران) است (۲۴). نتیجه مربوط به رابطه بین مسئولیت‌پذیری با سبک تدریس نیز حاکی از آن است که هر اعضای هیئت علمی مسئولیت سبک‌های تدریسی خود و پیامدهای آن را برعهده گرفته و اشتباهات و شکست‌های خود را می‌پذیرند.

یکی از موضوعات اخلاقی که همواره جامعه انتظار برآورده شدن و پرورش آن ا بطن دانشگاه را دارد بخشش، گذشت و سخاوت است؛ در تعاملات اجتماعی، بخشش اصلی اساسی است زیرا بدون وجود بردباری در برابر خطاها و پذیرش کاستی‌های نوع بشر انسان تبدیل به موجودی سخت و غیرقابل انعطاف شده و سطح رفتارهای نیکو در جامعه تنزل می‌یابد. بخشش شامل درک نیازهای روحی خود و گذشتن از اشتباهات خود و نیز درک احساسات دیگران و گذشتن از خطاهای آن‌ها است (۲). البته در مسائل علمی در کنار مسائل روزمره روابط بین اشخاص این مسئله می‌تواند برجستگی بیشتری پیدا نماید، چون گستره علم بسیار وسیع بوده و در هر موضوع نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی وجود دارد که تاکید بر یکی یا آگاهی از یک دیدگاه و غافل ماندن از دیدگاهی دیگر ممکن است نتایج متفاوتی را به بار آورد؛ نتایج آزمون فرضیه موجود نیز بدان معنی است که اعضای

هیئت علمی ضمن آگاهی از عیوب خود و دیگران، مهارت بخشیدن را دارا هستند.

در بعد دلسوزی هوش اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این بعد نیز با سبک تدریس اعضای هیئت علمی رابطه معنی‌داری دارد. دلسوزی به مفهوم مراقبت فعال از دیگران (مهربانی) است. دلسوزی، گسترده‌تر از مراقبت صرف از دیگران بوده و نشان‌دهنده‌ی احترام فرد به دیگران نیز می‌باشد که یک اثر بازگشتی هم دارد، زیرا در تعاملات اجتماعی، غالباً وقتی که انسانی مهربان و دلسوز در شرایط بحرانی قرار بگیرد دیگران نسبت به او همدردی می‌کنند.

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که هوش اخلاقی افراد در اتخاذ روشی که در پیش می‌گیرند مؤثر است و اساتید نیز سبک تدریس خود را تا حدودی (۲۰ درصد) با کمک هوش اخلاقی خود اتخاذ می‌کنند. از آنجائی که هوش اخلاقی قابل آموزش است لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان دانشگاه نسبت به هوش اخلاقی و سبک تدریسی اتخاذشده حساس باشند و آن‌ها را به عنوان عامل‌های مهم برای رشد سازمان و جامعه در دنیای دایم‌التغییر امروز در نظر بگیرند و واحدهایی را در دانشگاه ایجاد کنند که بتوانند هوش اخلاقی را در دانشگاه در بین اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان، ترویج، تشویق و آموزش دهند.

همچنین از آنجائی که مهم‌ترین رابطه بین استاد و دانشجو در طی درس و بر اساس سبک تدریسی روی می‌دهد لذا باید تدابیری اتخاذ نمود تا اساتید از آن دسته سبک‌هایی استفاده نمایند که به دانشجویان، عزت، استقلال فکری و یادگیری و یادگیری کار گروهی بدهند.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانیم که از همکاری کلیه اعضای هیئت علمی محترم دانشکده‌های دانشگاه ارومیه و همچنین قسمت آمار و انفورماتیک و حراست دانشگاه و همین‌طور معاونت محترم پژوهشی در جهت اجرای این پژوهش تشکر و قدردانی را داریم. این مقاله منتج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد ارومیه می‌باشد.

References:

1. Caillies S, Denhière G, Kintsch W. The effect of prior knowledge on understanding from text:

Evidence from primed recognition. Eur J Cogn Psychol 2002;14(2):267-86.

2. Bahrami M, Asami M, Fatehpanah A, Dehghani Tafti A, Ahmadi Tehrani G. Moral intelligence

- status of the faculty members and staff of the Shahid Sadoughi University of Medical Sciences of Yazd. *IJME* 2012; 5 (6) :81-95. (Persian)
3. Fotuhi GHazvini F, Khazai, Z. Molar Evaluation of the virtual University. *Quarterly J ethics Sci Technol* 2009; (1&2):1-12. (Persian)
4. Darvish Ghadimi F, Roudbari M. Teaching Styles of Faculty Members in Schools Affiliated with Iran University of Medical Sciences. *Iranian J Med Educ* 2012;11(8):917-25. (Persian)
5. Beheshtifar M, Esmaili Z, Nekoie.Moghadam M. Effect of moral intelligence on leadership. *Eur J Econ Finan Admin Sci* 2011; 43: 1-7. (Persian)
6. Siadat S, Kazemi I, Mokhtaripour M. Relationship between Moral Intelligence and the Team Leadership in Administrators from Faculty Members` Point of View at the Medical Sciences University of Isfahan 2008-2009 . *JHA* 2009; 12(36) :61-9. (Persian)
7. Mokhtaripoor M. The relationship between Organizational Intelligence with Knowledge Management. *J Organ Knowl Manag* 2009. 30: 30.(Persian)
8. Turner N, Barling J. Transformational leadership and moral reasoning. *J Appl Psychol* 2002; 87(2): 301-11.
9. Lennick D, Kiel F. Moral intelligence: enhancing business performance and leadership success in turbulent times. New York: Prentice Hall; 2011.
10. Borba M. The step- by-step plan to building moral intelligence. *Nurturing Kids Heart& Souls*. National Educator Award, National council of Selfesteem: Jossey-Bass; 2005.
11. Rama Sh. Professor's performance for effective teaching (Kosovo case). *Procedia Soc Behav Sci* 2011; 12: 117-21.
12. Anaya G, Cole D. Latino student achievement: exploring the influence of student and faculty interactions on college grades. *J College Student Develop* 2001; 42 (1): 3-5.
13. Pakseresht M.J. a research about teaching styles in university. *J Educ Psychol* 2008; 5 (11): 155-74. (Persian)
14. Ashrafi S, Jahanseir K. The Impact of Inductive and Analogical Teaching Methods on Students' Mathematic Scores in Islamic Azad University of Maragheh. *Res Curriculum Planning* 2011; 8(28-29):62-71. (Persian)
15. Joise B. Teaching pattern 2004; translation by Behranghi, MR. Teharn: Kamale Tarbiyat; 2011.
16. Arreola AR. Developing a comprehensive faculty evaluation system. 2nd ed. University of Tennessee press: Anker publishing company; 2007.
17. Shaabani H. Educational skills. Tehran: Samt; 1996. (Persian)
18. Grasha AF. Teaching with style. San Bernardino, CA: Alliance Publishers; 1996.
19. Eskandari F, Salehi M. Studing of the effect of comparison between teaching styles and learning on the performance of students; *Economical research in agricultural development of Iran*. 2011, 2. (Persian)
20. Najafi Kolyani M. Students Understanding of the efficient teaching in nursing. *Nurs Res* 2010; 5(19): 6-15. (Persian)
21. JafariP, Ghoorchiyan NGh, Behboodian J, Shahidi N. Developing a structural model for the relationship between faculty members self-efficacy and competencies with teaching quality in Islamic azad University. *Research in curriculum planning* 2012; 9(5):49-67. (Persian)
22. Shikhzadeh M, Samari Sh. the study of Urmia Azad University Faclutie,s teaching style. *quarterly J Educ Manag Res* 2010; 3: 70-94. (Persian)
23. Ahmari Tehran H. The Effect of Integration of Role-Modeling and Narration Methods on the Midwifery Students' Performance in Professional Ethics. *Iranian J Med Educ* 2012; 12(11): 826-35. (Persian)

24. Rahimi H, Arbabisarjou S, Allameh M, Aghababaei R. Relationship between Knowledge Management Process and Creativity among Faculty Members in the University, Interdisciplinary Journal of Information, Knowledge, and Management 2011;(6): 17-33. (Persian)

EXPLORING THE RELATIONSHIP BETWEEN MORAL INTELLIGENCE AND TEACHING STYLES AMONG URMIA UNIVERSITY FACULTIES

Freidooni M¹, Dehghani M^{2*}, Shikhzadeh M³

Received: 2 Oct , 2013; Accepted: 22 Dec , 2013

Abstract

Background & Aims: University is one of the most important institution in every human society, and the students were experienced their socialization process through faculties formal and informal educational classes. It is why, in many cases, society's expectations of higher education systems are to develop moral intelligence than the professional development. Therefore the purpose of this research is to explore the relationship between Moral Intelligence and Teaching styles of Urmia University faculties members.

Materials & Methods: This is a correlational descriptive survey. The research participants were all 412 faculty members of Urmia University from which 156 samples were selected by stratified random sampling method. Research instruments were Lennick & Kiel's (2011) moral intelligence questionnaire and Grasha (1996) teaching styles questionnaires. Their reliability has been calculated by using cronbach coefficient, and the results respectively were 0/94 and 0/855. ; Descriptive statistics method, Pearson correlation coefficient and , two independent sample T-test and analysis of variance and regression tests have been applied to analyze the data by using SPSS 16 software.

Results: According to the findings, there is a positive and significance correlation between moral intelligence and teaching styles. There was no significant relationship between teaching styles and, moral intelligence between the faculty members' point of view considering their gender.

Conclusion: By adopting appropriate teaching styles in classroom, the students Moral Intelligence level could be raised.

Keywords: Faculty members, Urmia University, Moral Intelligence, Teaching Styles

Address: Urmia University, Educational Department

Tel: (+98)9144456974

Email: mohammadfereiduni@rocketmail.com

¹ MSc of Educational technology, Urmia university

² Assistant Professor in Educational Management, Faculty of Tehran University (Corresponding Author)

³ Assistant Professor in Educational Management, Faculty of Urmia Azad University